

« ما با واقعیت چه میتوانیم بکنیم ؟ »
 پرسش ماست ،
 نه اینکه « حقیقت چیست ؟ »

پست

به

سئوالات محال

منو چهر جمالی

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است

دادن یا آفریدن ، خودراگشودن و شادبودنست . نیرومند ، در آغاز، در پی پخش کردن شادیش هست . خودگشائی ، پخش شادیست . او به آنانکه دردمندند ، شادی میدهد . این سست است که تنها به اندیشه کامگیری خودش هست و دردمندان و ستمدیدگانرا فراموش میسازد . نیرومند، درد را برای خود میپذیرد تا برای همه ، بنیاد شادی کند . درد را میتوان برای آفرینش شادی پذیرفت . جمشید ، درد تکفیر و تبعید و « به دو نیمه ارّه شدگی » را میپذیرد ، تا انسانهارا شاد سازد .

آئین جمشیدی آن بود که در شادی خود باید به یاد دردمندان افتاد و به یاری دردمندان شتافت . نیرومندی که دیگری را شاد نکند ، خود را میآزارد . جام گیتی نما ، نماد « بینش جمشیدی » بود که در پی شناخت درد انسانی در تاریکترین گوشه های جهان بود تا آنرا بزدايد . بینش جمشیدی ، بینش برای آزاد ساختن مردم همه جهان از درد بود . آئینه نوروzy ، نماد جام گیتی نما یا جام جم است

در صفحه ۱۳۰ - نوروz و جام گیتی نما

در صفحه ۱۵۶ - سوگ جمشیدی

در صفحه ۲۱۶ - کیومرث و بن بست انتخاب

فهرست مطالب کتاب

پشت به سئوالات محال

+++++

- ۱ متفکر بودن یا معتقد به يك فلسفه بودن ۵
- ۲- متفکران ، عذاب دهندگان ۹
- ۳- از کجا باید تفکر را شروع کرد ؟ ۱۱
- ۴- ما دربی سؤال خود هستیم ۱۲
- ۵ - سؤال ، از فکر ما سرچشمه میگیرد ۱۶
- ۶- پرسش و نیاز ۱۸
- ۷- نخستین پاسخ به سؤال « این چیست ؟ » ۲۰
- ۸ - اعتلاء ارزش تاریخ ۲۲
- ۹ - چگونه فرد خوشبخت میشود ؟ ۲۳
- ۱۰ - نقطه شروع ۲۴
- ۱۱- هرچیزی که پاره شد ، ممکن میشود ۲۵
- ۱۲ - ماجرای معرفت و دوستی ۲۸
- ۱۳ - عدالت بر ضد آزادی ۲۹
- ۱۴ - سؤال ، میگشاید و می بندد ۳۰
- ۱۵ - بی سؤال کردن زندگی ۳۳
- ۱۶ - سؤال ، مهار را از سر تخیل باز میکند ۳۴
- ۱۷ - خود ، معما میشود ۳۷
- ۱۸ - چرا خود را نمیتوان شناخت ؟ ۳۹

- ۱۹ - از آرامش خواهی به ماجرا جوئی ۴۱
- ۲۰ - از تفکر به تخیل ۴۳
- ۲۱ - تجربیات زیاد و تفکر کم ۴۴
- ۲۲ - جستجو در بیراهه ها ۴۵
- ۲۳ - آیا شیطان ، اغواگر بود ؟ ۴۶
- ۲۴ - انسان ، هر پدیده ای را تأویل میکند ، نه تعریف ۴۷
- ۲۵ - همه امکانات ، ضعیف هستند ۴۹
- ۲۶ - واقعه ای که نسلاها به عقب افتاد ۵۰
- ۲۷ - انسان ، زنجیره ای از رویدادهاست ۵۲
- ۲۸ - درك يك تجربه تاریخی ۵۳
- ۲۹ - درك هر واقعه ای از دوگونه امکاناتش ۵۴
- ۳۰ - آزادیخواهی چیست ؟ ۵۵
- ۳۱ - آنچه را از تاریخ میتوان یاد گرفت ۵۵
- ۳۲ - ما به هیچ فلسفه ای نمیتوانیم شك بورزیم ۵۶
- ۳۳ - خدا میخواهد ۵۷
- ۳۴ - تاریخ و طبیعت ۵۸
- ۳۵ - همکاری آخوند و سیاستمدار ۵۸
- ۳۶ - سئوالی که مارا آزاد میسازد ۵۹
- ۳۷ - سئوالات محال ۶۰
- ۳۸ - بهترین حکومت کدامست ؟ ۶۱
- ۳۹ - افزودن و کاستن قدرت حکومت ۶۳
- ۴۰ - رد بکنید ولی پشت نکنید ۶۴
- ۴۱ - واقعیت ، پایگاه انسانست ۶۶
- ۴۲ - فکری همانند عمل ۶۷
- ۴۳ - از قضاوت اخلاقی به قضاوت سیاسی ۶۸
- ۴۴ - گفتن راز دلبران در حدیث دیگران ۶۸

- ۶۹ ۴۵ - رباکار را نباید شرمسار کرد
- ۷۰ ۴۶ - چرا خدا دین را آفرید ؟
- ۷۰ ۴۷ - نابود ساختن امکانات
- ۷۲ ۴۸ - هفتاد بطن
- ۷۳ ۴۹ - ما بیشتر میدانیم نه بهتر
- ۷۴ ۵۰ - بزرگواری با دوستان و عدالت با دشمنان
- ۷۵ ۵۱ - کژراهه های جستجو
- ۷۶ ۵۲ - افکار را در يك دستگاه گنجانیدن
- ۷۷ ۵۳ - روانشناسی آخوندها و مقتدران
- ۷۸ ۵۴ - دید سیاسی به اخلاق
- ۷۸ ۵۵ - فلسفه چیست ؟
- ۸۱ ۵۶ - عقل و بی عقلی
- ۸۲ ۵۷ - یأس روشنگران
- ۸۴ ۵۸ - بدنبال دیوانگیاها
- ۸۵ ۵۹ - آنچه به خودی خودش هست
- ۸۶ ۶۰ - آفریننده ، نیاز به آرایش ندارد
- ۸۶ ۶۱ - فکر ، مالکیت ندارد
- ۸۸ ۶۲ - زاده فکری و تفکر
- ۸۹ ۶۳ - ماوراء الطبیعه ، به خود طبیعت باز میگردد
- ۹۱ ۶۴ - زیر دستی مدارا
- ۹۲ ۶۵ - نفی آنچه ضروری ساخته شده است
- ۹۳ ۶۶ - دور ریختن مفهوم خلاقیت
- ۹۴ ۶۷ - عالیترین اخلاق ، بدترین اخلاقت
- ۹۵ ۷۸ - ایده های ما ، اجسام آزاد شده اند
- ۹۶ ۷۹ - چرا ما با رغبت داوری میکنیم ؟

- ۸۰ - زندگی پس از مرگ ۹۷
- ۸۱ - فهمیدن فکر خود ۹۷
- ۸۲ - دیو بندی ۹۸
- ۸۳ - رابطه فلسفه با فرهنگ يك ملت ۹۹
- ۸۴ - اوج صداقت يك ایرانی ۱۰۰
- ۸۵ - دوگونه نبوغ ۱۰۲
- ۸۶ - غلبه بر واسطه ها ۱۰۲
- ۸۷ - بی نیازی از حقیقتی که همه چیز را روشن میسازد ۱۰۳
- ۸۸ - واقعیت - امکانات - واقعیت ۱۰۵
- ۸۹ - من مجبورم سعادتمند بشوم ۱۰۶
- ۹۰ - کجا زیبایی ، خطرناک میشود ؟ ۱۰۸
- ۹۱ - ترس ، بر منطق چیره میشود ۱۱۰
- ۹۲ - چرا دین و اخلاق و ایدئولوژی ، چاره ای جز فریفتن ندارند ۱۱۲
- ۹۳ - آنکه میفریبد ، خود پرست است ۱۱۴
- ۹۴ - انسان ، هر سازمانی را تغییر میدهد ۱۱۶
- ۹۵ - فهمیدن : فشردن تجربه تازه در عبارات کهنه ۱۱۷
- ۹۶ - محافظه کاران ، نیاز به مفهوم جاوید دارند ۱۱۸
- ۹۷ - فضیلتی که جانشین اسلحه میشود ۱۱۹
- ۹۸ - ایده آل تنبلی ۱۱۹
- ۹۹ - آیا قهرمان ، از منفعت خود میگذرد ؟ ۱۲۰
- ۱۰۰ - ما اندازه هر چیزی هستیم ۱۲۱
- ۱۰۱ - جهان در آغاز به انسان آفرین گفت ۱۲۴
- ۱۰۲ - گذر از هفت خوان ۱۲۵
- ۱۰۳ - تواضع و تکبر ۱۲۶
- ۱۰۴ - راه آزادی از اخلاق و دین ۱۲۷

- ۱۰۵ - فریبنده ، همیشه ناشناس است..... ۱۲۸
- ۱۰۶ - نوروز و جام گیتی نما ۱۳۰
- ۱۰۷ - جهان دیگر ۱۳۳
- ۱۰۸ - ما از دیگران نمیترسیم ۱۳۴
- ۱۰۹ - مفهوم از نامفهوم سرچشمه میگیرد ۱۳۵
- ۱۱۰ - حقیر شمردن دشمن ۱۳۶
- ۱۱۱ - روشنی در کمی ۱۳۷
- ۱۱۲ - امید ، مارا از دیدن خطر باز میدارد ۱۳۷
- ۱۱۳ - ریا ، دیروز ننگ بود و امروز ، هنر است ۱۳۸
- ۱۱۴ - شگفت به جای ترس ۱۳۹
- ۱۱۵ - من خدا هستم ۱۴۰
- ۱۱۶ - ماوراء الطبیعه ۱۴۱
- ۱۱۷ - بازهم ماوراء الطبیعه ۱۴۲
- ۱۱۸ - تفکر فلسفی و شاهنامه ۱۴۳
- ۱۱۹ - آنچه را ما میاندیشیم ، خود نیز درست میفهمیم ۱۴۴
- ۱۲۰ - واقعه های تفکر ۱۴۵
- ۱۲۱ - تفکر را نباید به عقب انداخت ۱۴۶
- ۱۲۲ - در انتظار هیچ نبودن ۱۴۷
- ۱۲۳ - خرد ، همیشه مبهم است ۱۴۸
- ۱۲۴ - هر مفهومی ، تاریکست ۱۵۰
- ۱۲۵ - هر پدیده انسانی ، هزاران تعریف دارد ۱۵۱
- ۱۲۶ - تفکر ایرانی را نمیتوان از سوگ ، جدا ساخت ۱۵۲
- ۱۲۷ - سوگ جمشیدی ۱۵۶
- ۱۲۸ - پرهیز از شگفت کردن ۱۵۸
- ۱۲۹ - از شگفت کردن به اندیشیدن ۱۵۹

- ۱۳۰ - شگفت : چشم گشودن در راز ۱۶۱
- ۱۳۱ - سوگ ، درد گلاویزی خرد ما با خودش هست ۱۶۳
- ۱۳۲ - کمتر قانون و کمتر اخلاق ۱۶۵
- ۱۳۳ - مدارائی ، نتیجه شك و رزست ۱۶۷
- ۱۳۴ - اضرار برای ایجاد درد خرد در روانند ۱۶۹
- ۱۳۵ - ترس و شناخت ۱۶۹
- ۱۳۶ - گفتگو با دیگری - سخن با دیگران ۱۷۷
- ۱۳۷ - زمان : خدائی که نمایانیدشد ۱۷۹
- ۱۳۸ - خود را بنادانی میزیم تادیکران را به اندیشیدن بیانگیزیم ۱۸۳
- ۱۳۹ - به يك فكر ، فریفته شدن ۱۸۵
- ۱۴۰ - انسان گل است یا تخمه ۱۸۶
- ۱۴۱ - آیا حقیقت را میتوان یاد گرفت ۱۸۶
- ۱۴۲ - حقیقت را نباید جست ۱۸۷
- ۱۴۳ - تفاوت حساسیت ۱۸۹
- ۱۴۴ - شهرت طلبی یا لذت طلبی ۱۹۰
- ۱۴۵ - ترس و شرم از آزردهن ۱۹۱
- ۱۴۶ - از شاد بودن تا لذت بردن ۱۹۱
- ۱۴۷ - زنیرو بود مرد را راستی ۱۹۲
- ۱۴۸ - کیومرث و اهریمن ۱۹۲
- ۱۴۹ - همدردی ستمدیدگان ۱۹۳
- ۱۵۰ - کیومرث و شك ۱۹۴
- ۱۵۱ - جستن هنرهای خود ۱۹۴
- ۱۵۲ - در هیچکسی ، حقیقت نیست ۱۹۵
- ۱۵۳ - جبران يك عمل بد ۱۹۸
- ۱۵۴ - آنچه را هیچ آخوندی نمی بخشد ۱۹۹

- ۱۵۵ - چگونه نیرومند ، رند میشود ۲۰۰
- ۱۵۶ - سرمستی اعتلاء ، به جای شادی از صداقت ۲۰۱
- ۱۵۷ - برای رند ، معرفت ، روش مهر به زندگیست ۲۰۱
- ۱۵۸ - هر ایده آلی ، قدرت طلبست ۲۰۲
- ۱۵۹ - سعادت و لذت ۲۰۳
- ۱۶۰ - دروغگو ، چگونه از دروغ خود ، حقیقت میسازد ۲۰۴
- ۱۶۱ - ایده آلی جانشین ایده آل دیگر میگردد ۲۰۵
- ۱۶۲ - مرغ زیرک ۲۰۵
- ۱۶۳ - مأمور ، معذور است ۲۰۶
- ۱۶۴ - ضحاک : آنکه تحمل دیدن نتایج اعمال خود را ندارد ۲۰۷
- ۱۶۵ - هنگامیکه گرد و غبار آرمانها می نشیند ۲۰۹
- ۱۶۶ - معرفت ، باید لذت آور باشد ۲۱۰
- ۱۶۷ - درنگ کردن و فرهنگ ۲۱۰
- ۱۶۸ - فن قهرمان شدن ۲۱۱
- ۱۶۹ - آنکه هیچگاه از خودش سخن نمیگوید ۲۱۲
- ۱۷۰ - خلق ضروریات ۲۱۲
- ۱۷۱ - ایده آل ، پرده ضخیمی بر روی حقیقتست و دروغ ، پرده نازک ۲۱۳
- ۱۷۲ - رابطه ما با حقیقت ۲۱۳
- ۱۷۳ - غنچه نشگفته ۲۱۴
- ۱۷۴ - گفته باریک ۲۱۶
- ۱۷۵ - کیومرث در بن بست انتخاب ۲۱۶

بیت
بہ
سنوالات . مجال